

اصطلاح حوزه علمیه: تاریخچه پیدایی و تحولات معنایی^۱

مرتضی دانشیار^۲

چکیده

حوزه علمیه به مرکز علوم مذهبی شیعیان اطلاق می‌شود که در مطالعات مربوط به تاریخ نهادهای علمی - آموزشی شیعیان، پیشینه و چگونگی پیدایی عنوان آن مغفول مانده است. افزون بر این، این مطالعات مراکز علوم دینی پیش از ایجاد این اصطلاح را نیز، تحت عنوان حوزه علمیه معرفی کرده‌اند. پژوهش حاضر به تاریخ پیدایی و تحولات معنایی ترکیب حوزه علمیه اختصاص دارد. یافته‌های این پژوهش حاکی است، اصطلاح حوزه علمیه از بطن تحولات سیاسی - اجتماعی عصر مشروطه برآمد که نخستین بار به مفهوم امروزی آن، بر نهادی اطلاق شد که شیخ عبدالکریم حائری در قم بنیان نهاد. همچنین، این پژوهش نشان می‌دهد که ساختار نوین مراکز علمی شیعی امروزی یا به اصطلاح «حوزه علمیه»، قابل انطباق با مراکز علمی پیش از آن نیست.

کلید واژه‌ها: حوزه علمیه، حوزه علمیه قم، عبدالکریم حائری، مراکز علمی شیعی.

مقدمه

در قرون نخستین اسلامی مراکز و اماکن تحصیلی شیعیان، همانند سایر مسلمانان، مکتب خانه، مساجد و خانه‌ی عالمان بود. منابع مختلف این ادوار از جمله منابع رجالی، مؤید این موضوع است. با رواج مدارس از قرن سوم، این محل نیز، در کنار مراکز پیش گفته، محل تحصیل طالبان علوم دینی شیعیان گشت (در مورد پیدایی نخستین مدارس از قرن سوم، نک: ناجی، ۴۹۹-۵۰۱). بهترین اثر در تائید این موضوع، *النقض* کتاب

۱. دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۰۴ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۰۲/۲۳

تقدیم به مرحوم آیت الله شیخ عبدالکریم حائری که راه تحقق آرمان‌های خود را در فرهنگ جست.

۲. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، ایران. رایانامه: mdaneshyar@ut.ac.ir

مشهور عبدالجلیل قزوینی رازی است که در قرن ششم در معرفی مراکز علمی شیعیان و رونق علوم دینی در شهرهای شیعه‌نشین، به مدارس آنان در شهرهای مختلف ایران از جمله سبزووار، ری، قم، کاشان، ورامین، آبه، ساری و غیره اشاره کرده است (قزوینی رازی، ۳۴-۳۸، ۱۹۵، ۱۹۷-۲۰۰، ۲۰۲، ۴۰۰، ۴۲۰، ۴۳۵). گزارش سفرنامه‌نویسان ایرانی و خارجی از ایلخانان تا قاجار نیز حاکی از محوریت مدرسه و عدم وجود مرکزی به نام حوزه علمیه در نظام تعلیمی ایرانیان شیعی است (برای نمونه برای اواخر ایلخانان نک: ابن بطوطه، ۴۲۱/۱-۴۲۳؛ ۴۷/۲-۴۸، ۱۷۹؛ دوره صفویه نک: شاردن، ۵۰۷/۲، ۵۱۶، ۵۳۵، ۷۶۷؛ ۹۱۷/۳، ۹۳۲، ۹۳۷-۹۴۱؛ ۱۴۱۶/۴، ۱۴۷۱-۱۴۷۸؛ اوایل عهد قاجار نک: Fraser, pp. 456-460, 463-567؛ دوره ناصرالدین شاه (۱۳۰۰ق) نک: اعتماد السلطنه، ۵۳۵/۲-۵۵۰). افزون بر این، همین منابع نشان می‌دهند که مدارس هر شهر بدون مدیریتی واحد، کاملاً مستقل از یکدیگر اداره می‌شدند. اما از اوایل قرن حاضر نهادی با عنوان حوزه علمیه در ایران سر برآورد که با ساختاری نوین، به تدریج تمام مدارس دینی شیعیان را تحت مدیریتی واحد قرار داد.^۱ با وجود این، پژوهشگران با پیوند دادن این نهاد جدید التأسیس با اماکن تعلیمی شیعیان در قرون گذشته، تاریخ پیدایی حوزه‌های علمیه‌ی شهرهای مختلف را به قرون نخستین نسبت داده‌اند.

ظاهراً نخستین بار در مقالات نشریه *آئین اسلام* (شماره‌های ۱۵۶ تا ۱۶۱، اردیبهشت و خرداد ۱۳۲۶، صفحات ۳؛ شماره ۱۶۲، ص ۷) و حدود بیست و پنج سال پس از تأسیس حوزه علمیه قم بود که پیدایی این حوزه به نیمه قرن دوم هجری نسبت داده شده است. شریف رازی (ص ۱۳) نیز، در ۱۳۳۲ش پایه گذاران حوزه علمیه قم را شیعیان اشعری و مهاجر به این شهر در قرن دوم هجری معرفی کرد. پس از آن تقریباً در تمامی مطالعات مربوط به تاریخ این نهاد، بنیان آن به قرون نخستین اسلامی بازگردانده شده است؛ برای نمونه، ذیل مدخل «حوزه» در *دایره المعارف تشیع* (۵۷۷/۶-۵۴۹)، پیامبر (ص) بنیانگذار این نهاد معرفی شده است. همین رویکرد از سوی نویسندگان کتاب *حوزه‌های علمیه شیعه در گستره جهان* (ص ۱۳) پیروی شده است. همچنین نویسندگان مدخل «حوزه علمیه» در *دانشنامه جهان اسلام* (۳۴۶/۱۴) به بعد،

۱. فرایند تحت مدیریت واحد قرار گرفتن مدارس دینی با تأسیس حوزه علمیه قم آغاز گشت و پس از انقلاب ۵۷ تکمیل شد.

بنیانگذاران نخستین این نهاد را امامان معصوم دانسته‌اند.^۱ به هر روی، پژوهش حاضر با بررسی تاریخ پیدایی و چگونگی ظهور اصطلاح حوزه علمیه و نیز وجه تسمیه‌ی آن، به بررسی درستی و یا نادرستی اطلاق این اصطلاح به مراکز علمی پیش از ابداع آن خواهد پرداخت.

۱. معنی و کاربرد واژگان «حوزه» و «علمیه»

بررسی سیر تحولات معنایی دو واژه «حوزه» و «علمیه» و سپس مفاهیم ترکیبات آنها، گام نخستین و اصلی در این جست و جو است.

"حوزه" واژه‌ای عربی و به معنای ناحیه، مجتمع، قلمرو، جانب و مرکز است^۲ که در منابع قرون میانه به همراه واژگان اسلام، مسلمین، مُلک و مانند آن و غالباً در منابع فارسی، استعمال شده است. برای نخستین بار ظاهراً در اواخر عهد تیموریان است که در متون فارسی و در شرح احوال علما و طلاب علوم دینی، این واژه به همراه کلمهٔ درس نیز آمده است.

ترکیبات واژه "حوزه" در منابع قرون میانه تا عصر صفوی^۳

منبع	ترکیبات اضافی
ابن مسکویه، ۱۵/۷؛ عتبی، ۲۵۳؛ قزوینی رازی، ۴۶۸؛ ابن اثیر، ۴/۳۰؛ ۲۴۴/۱۱؛ اسناد و مکاتبات تاریخی، ۳۳۵، ۳۴۶، ۶۲۵	حوزه اسلام
حمزه اصفهانی، ۳۶؛ عتبی، ۱۰؛ رشیدالدین فضل الله همدانی، ۹۶، ۱۵۴، ۱۱۸؛ فاشانی، ۲، ۱۸۴، ۱۸۵	حوزه مُلک/کل ملک/تملک/ دولت/سلطنت
ابن اثیر، ۲۳۷/۱۰؛ حافظ ابرو، ۳/۱؛ اسناد و مکاتبات تاریخی، ۲۵۸، ۶۱۰؛ خواند میر، ۴۶۶/۱	حوزه دین/شریعت
رشیدالدین فضل الله همدانی، ۱۶؛ حافظ ابرو، ۴۷۳/۳، ۵۵۲	حوزه دیوان

۱. از جمله آثار دیگر مربوط به تاریخچه حوزه های علمیه که تاریخ پیدایی این نهاد را به قرون میانه نسبت داده‌اند، می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: وکیلی قمی، ۸ به بعد؛ خامنه‌ای، ۱۳؛ پسندیده، ۱۱۱-۱۱۹؛ جوادی و حسنی، ۱۷۵-۲۰۸.

۲. نک: مرتضی زبیدی، ۵۸/۸-۵۵؛ دهخدا، ۹۲۳۶/۶.

۳. این ترکیبات از زمان شکل گیری تا عهد قاجار در منابع وجود دارد، لیکن در این جدول تنها نخستین منابعی که مؤلفان آنها از این ترکیبات استفاده کرده اند، ذکر گردیده است.

ترکیبات اضافی	منبع
	خواندمیر، ۲۴۳/۱؛ ۱۳۲/۲؛ ۳۶۳
حوزه تصرف/تسخیر	حمدالله مستوفی، ۴۴۸؛ حافظ‌ابرو، ۵۵۷/۲؛ ۴۴۸/۳؛ ۲۳۳ خواندمیر، ۵۹۰/۲؛ ۲۷۲/۳
حوزه مسلمین/ایمان	بناکتی، ۳۶۵؛ اسناد و مکاتبات تاریخی، ۲۳۳؛ خواندمیر، ۳۸۹/۱، ۴۸۸
حوزه درس	واصفی، ۱۶/۲، ۳۱۷؛ خواندمیر، ۴۶۰/۲؛ اسکندربیک ترکمان، ۱۰۵۳/۳، ۱۴۹/۱

«علمیه» نیز واژه‌ای عربی و حاصل از ترکیب کلمه‌ی علم با «ی» مشدد نسبت است که بر خلاف واژه حوزه در قرون میانه چندان کاربرد نداشت. از حدود قرن ششم به بعد است که می‌توان آن را در منابع عربی و فارسی یافت.^۱ اما در جریان تحولات سیاسی - اجتماعی ایران دوره قاجار، با ترکیب واژه علمیه اصطلاحات گوناگونی متداول گشت که به عنوان نام خاص به کار گرفته شد.

۲. پیدایی اصطلاح «حوزه علمیه» و تحولات معنایی آن

در دوران قاجار و به ویژه از اواخر قرن سیزدهم هجری قمری که جریان ظهور مؤسسات و پدیده های نوین تمدنی شدت گرفت، واژگان حوزه و علمیه نیز کاربردهای دیگری یافت که حاصل آن تحول معنا و مفهوم آنها بود. در این دوره واژه حوزه در ترکیبات جدیدی همانند حوزه روحانی (دولت آبادی، ۲۵/۱، ۷۹؛ ۷/۲؛ ۱۳/۴، ۲۸۹)، حوزه طلبه (همو، ۶۱/۱)، حوزه ادبی/اجتماعی/ملی (همو، ۶۳/۱، ۸۰، ۱۳۴؛ عین‌السلطنه، ۶۹۶۴/۹) و حوزه علمی (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۸/۱؛ دولت آبادی، ۸۰/۱) متداول گشت. اما مقارن دوره مشروطیت و با ظهور نهاد مجلس و پدیده هایی همانند احزاب و انتخابات، واژه حوزه به همراه مفاهیم پیشین، معنای انجمن و گروه نیز، یافت. در این سالها برای نخستین بار به همراه ترکیب «حوزه انتخابات» (دولت آبادی، ۳۰۴/۴، ۳۲۲، ۴۰۲؛ کمره‌ای، ۵۳۴/۱؛ ۸۵۷/۲؛ عین‌السلطنه، ۳۵۵۴/۵؛ ۴۸۰۱/۶؛ ۴۸۰۴/۷)، واژه مطلق «حوزه» به مفهوم انجمن و گروه سیاسی به کار گرفته شد (ناظم‌الاسلام کرمانی،

۱. برای نمونه نک: سمعانی، ۴/۱۹۴؛ ابن خلدون، ۴۸۰/۱، ۵۲۸، ۶۶۴؛ خنجی، ۲۸۴، ۲۹۵، ۳۰۲، ۳۰۶.

۲/۲۷۷، ۳۱۸؛ ۴/۴۹۸؛ دولت آبادی، ج ۱۷/۲ به بعد، ۱۳۰، ۳۰۸؛ ۳/۲۵۲؛ ۴/۶۶، ۳۲۹؛ کمره‌ای، ۹/۱ به بعد؛ عین‌السلطنه، ۲/۱۱۱۸). معنای جدید حوزه زمانی رواج عام‌تر یافت که نام خاص انجمنی سیاسی گشت. این انجمن «حوزه اسلامی/اسلامیه» نام داشت که سید محمد طباطبائی به همراه سید عبدالله بهبهانی در ۱۳۲۳ق در تهران تشکیل دادند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۲/۳۲۱؛ ۳/۴۰۶، ۴۷۴، ۵۰۲؛ دولت آبادی، ۲/۳۶-۳۹، ۴۲، ۱۰۹).^۱

همراه با کلمه ی حوزه، «علمیه» نیز در سالهای منتهی به مشروطیت مفاهیم جدیدی یافت. این واژه به عنوان نام خاص، ظاهراً نخستین بار اسم روزنامه‌ای گشت که توسط اعتضادالسلطنه (۱۲۳۴-۱۲۹۸ق/۱۸۱۹ - ۱۸۸۰م) از سال ۱۲۸۰ق/۱۲۴۲ش به سه زبان فارسی، عربی و فرانسه منتشر می‌شد و در مدت هفت سال، از روز دوشنبه اول شعبان ۱۲۸۰ق تا روز شنبه اول شوال ۱۲۸۷ق، مجموعاً ۵۳ شماره از آن انتشار یافت (آل‌داود، ج ۹، ص ۳۵۴). بعد از آن در محرم ۱۳۱۶ق، «علمیه» نام مدرسه‌ای گشت که در تهران توسط احتشام‌السلطنه (د. ۱۳۱۴ش) تاسیس شد. انتخاب این عنوان برای مدرسه‌ی مذکور بدان سبب بود که تا پیش از آن در تاریخ اسلام و ایران، مدرسه جایگاه تعلیمات عالیه بود، اما همزمان با ایجاد این مدرسه، مدارس دیگری نیز از جمله مدرسه رشديه (تاسیس رمضان ۱۳۱۵ق)، ابتدائیه (تاسیس محرم ۱۳۱۶ق)، مدرسه شرف (تاسیس ربیع الاول ۱۳۱۶ق)، مدرسه افتتاحیه (تاسیس شعبان ۱۳۱۶ق) و غیره در تهران و سایر شهرهای کشور تاسیس شد که غالباً به تعلیمات مقدماتی و به ویژه تعلیم کودکان اختصاص داشت (روزنامه معارف، ۱۳۱۶ق، ص ۳؛ همان ۱۳۱۷ق، ص ۳؛ روزنامه تربیت، ۱۳۱۸ق، ص ۲، ۳؛ برای توضیحات بیشتر نک: رشديه، ۵۲-۵۳). به همین سبب مدرسه علمیه که در سطوح بالاتر و تقریباً معادل دبیرستان امروزی، شاگرد می‌پذیرفت، عنوان علمیه یافت^۲ (روزنامه معارف، صفر ۱۳۱۷ق، ص ۳؛ دولت‌آبادی،

۱. طباطبائی پیش از تاسیس این انجمن در ۱۳۱۷ق نیز مدرسه ی اسلام را بنیاد نهاده بود (روزنامه آیین عیب نما، ۱؛ روزنامه معارف، شماره ۱۴، صفر ۱۳۱۷).

۲. مدرسه علمیه شامل دو بخش علمیه و ابتدایی بود. بخش علمیه آن مخصوص شاگردانی بود که دوره‌ای از تحصیل را در دارالفنون گذرانده و یا توسط معلمان خصوصی در خانه خود تحصیل کرده بودند. بخش دیگر نیز به تعلیمات مقدماتی کودکان اختصاص داشت (دولت‌آبادی، ۱/۱۹۴).

۱۹۱/۱، ۱۹۴. همچنین نک: *روزنامه ثریا* (شعبان ۱۳۱۶ق، ص ۱۰) که مدارس ژاپن را به ابتدائیه و علمیه تقسیم کرده است).

کاربرد و مفهوم واژه علمیه همچنان رو به گسترش بود. مقارن انقلاب مشروطیت و سر برآوردن انجمن‌های مختلف سیاسی، اصطلاح «حوزه علمیه» نیز، برای نخستین بار رایج شد که مفهوم انجمن یا گروه (= حوزه) علما (= علمیه) را داشت (نک: آقا نجفی قوچانی، ۱۰۲؛ دولت‌آبادی، ۲/ ۲۷۱؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱/ ۲۴۳، ۲۴۹). در همین دوران (۱۳۲۴ق/ ۱۲۸۵ش) شهرت انجمنی سیاسی به «حوزه علمیه» و به ویژه شکل‌گیری اصطلاحی دیگر به نام «هیئت علمیه» موجب رواج عام مفهوم جدید علمیه (= منسوب به علمای دینی) گشت. انجمن سیاسی حوزه علمیه را شیخ فضل‌الله نوری که از منتقدین و مخالفین حوزه اسلامی / اسلامیه بود، در مقابل آن در ۱۳۲۴ق/ ۱۲۸۵ش تشکیل داد (دولت‌آبادی، ۱۰۹/۲). اصطلاح «هیئت علمیه» نیز در دهه بعد عنوان گروهی سیاسی شد که به ریاست سید حسن مدرس در مجلس سوم شورای ملی (۱۳۳۳-۱۳۳۴ق) شکل گرفت. هسته‌ی این گروه روحانیان بودند که با پیوستن عده‌ای غیر معمم به آن، تعداد هیأت به ۱۵ نفر رسید (دولت‌آبادی، ۳۱۱/۴؛ برای توضیحات بیشتر نک: سپهر، ۱۰۲-۱۰۴).

چند سالی پس از آن، شهرت نهادی علمی - آموزشی به «حوزه علمیه»، بار دیگر به این اصطلاح معنای جدیدی داد که امروزه مفهوم غالب این ترکیب است.

۳. حوزه علمیه: نهاد تعلیم علوم دینی شیعیان

در منابع از محل تدریس عالمان دینی تا اواخر عصر قاجار، با عنوان حوزه درس، حوزه علما و یا مدرسه یاد شده است. در میان منابع این ادوار به هیچ روی واژه حوزه علمیه، به مفهوم مرکز تعلیم، به کار گرفته نشده است. افزون بر منابع مختلف، بهترین نمونه در تأیید این موضوع، مجموعه‌ای با عنوان *مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه دوره قاجار*، است که سواد مراسلات و بیانات علمای شهرهای مختلف ایران و عراق را در این دوره گرد آورده است. در این مجموعه، تمام مراسلات با نام شخص و یا عنوان

۱. کتاب آقا نجفی قوچانی *حیات الاسلام فی احوال الملک العلام* نام دارد که در مورد شخصیت و نقش آخوند خراسانی (د. ۱۳۲۹ق) در نهضت مشروطیت است. در این کتاب آخوند خراسانی در نامه‌ای خطاب به علماء استرآباد در جریان نهضت مشروطیت، واژه «حوزه علمیه» را به کار برده است.

علمای شهر امضا شده است.^۱ افزون بر این، در متن این مراسلات و بیانات به هیچ روی واژه حوزه علمیه یافت نشد. اصطلاح حوزه علمیه به مفهوم امروزی آن، به عنوان مرکز تعلیم علوم دینی شیعیان توسط روحانیان، ظاهراً نخستین بار بر مدارس دینی قم اطلاق شد که تحت ریاست شیخ عبدالکریم حائری یزدی (د. ۱۳۱۵ش) در ۱۳۰۱ش/ ۱۳۴۰ق مدیریتی واحد یافت (نک: ادامه مقاله).

شیخ عبدالکریم حائری یزدی تحصیلات خود را در عراق به پایان برده بود و تدریس را در شهر کربلا آغاز کرد. وی در ۱۳۳۲ق/ ۱۲۹۳ش به دعوت شیخ اسماعیل فرزند آیت‌الله محسن عراقی (= اراکی) به سلطان آباد (اراک امروزی) نقل مکان کرده و تا ۱۳۴۰ق در آنجا به تدریس پرداخت. محل تدریس وی در اراک نخست مسجدی موسوم به آقا ضیاء بود که با افزایش شاگردانش به مدرسه سپهدار انتقال یافت (ناصرالشریعه، ۳۴۱؛ شریف رازی، ۱۵، ۲۳، ۵۹). اما در جریان سفر وی در آخرین روزهای ۱۳۴۰ش/ رجب ۱۳۴۰ق به مشهد، با دعوت و اصرار علمای قم به ویژه شیخ محمد تقی بافقی حوزه درس خود را به قم انتقال داد و در آن شهر اقامت گزید (ریحان یزدی، ۳۲؛ ناصرالشریعه، ۳۴۱؛ شریف رازی، ۱۵-۱۶، ۲۱). حائری در حالی احیا و ریاست مدارس قم را بر عهده گرفت که مقدمات شکل‌گیری مرکزی علمی در این شهر، پیش از این توسط میرزا محمد فیض در سال ۱۳۳۶ق با بازگشایی مدارس فیضیه و دارالشفای فراهم شده بود (مجله آئین اسلام، ش ۷، ۱۳۲۶ش، ص ۴). در آن هنگام مدارس شهر عبارت بودند از فیضیه، دارالشفای، مأموریه (رضویه)، مؤمنیه (تحویله‌خانه)، مادرشاه، مهدی‌قلی خان، حاجی، حاج سید صادق و مدرسه جانی‌خان، که در دوره صفویه و قاجار ساخته شده بودند (ناصرالشریعه، ۲۴۰-۲۴۶؛ قس: شریف رازی، در ۱۳۳۲ش، ۷۳-۷۶). ظاهراً در همان آغاز مدرسه فیضیه مرکز مدیریت حوزه انتخاب شد (شریف رازی، ۷۲-۷۳). با ریاست حائری بر این مدارس برای نخستین بار در تاریخ نهادهای آموزشی-مذهبی شیعیان، مدارس مدیریتی واحد می‌یافت؛ هر چند از حدود ۲۵ سال پیش مدارس تازه تأسیس تهران با نظارت انجمن معارف (که خود زیر نظر وزارت علوم بود) مدیریتی واحد یافته بودند، لیکن این مدارس عمدتاً به علوم فنی و تجربی اختصاص داشت (نک: رشدیه، ۴۱، ۴۵-۴۶؛ دولت‌آبادی، ۱۹۳/۱-۱۹۸).

۱. برای نمونه نک: رجیبی، ۲۴۸/۱ به بعد؛ ۹۲/۲-۱۰۰؛ ۱۴۶-۱۴۹، ۱۷۶، ۱۸۵-۱۸۶، ۲۱۶ به بعد؛ ۳/ ۴۹، ۶۹، ۱۱۴-۱۱۶، ۲۳۹ به بعد؛ ۴/ ۲۱-۱۳۶، ۲۰۶ به بعد.

با وجود این، مدیریت واحد این مرکز به مفهوم مجتمع بودن حوزه نبود، زیرا افزون بر پراکندگی مدارس دینی شهر، مجالس درس شیخ عبدالکریم نیز در مدارس مختلف برگزار می‌شد؛ وی فقه را در مسجد بالاسر و اصول را در مدرسه فیضیه تدریس می‌کرد (ناصرالشریعه، ۳۴۱؛ شریف رازی، ۵۹). وصف عین السلطنه (۷۶۹۵/۱۰) از این مدارس نیز گویای همین مطلب است.

این مرکز ظاهراً در سال‌های آغازین به حوزه علمیه شهرت نداشت؛ زیرا یحیی دولت‌آبادی که مقارن تأسیس این مرکز از آن یاد کرده است، از آن با عنوان «مرکز روحانیت» و «حوزه ریاست روحانی» نام برده است.^۱ در نامه‌ای نیز که شیخ عبدالکریم حائری به سال ۱۳۴۲ق/۱۳۰۳ش خطاب به یکی از شاگردان خود در مشهد نوشت، از این مرکز با نام «علمیه» یاد کرد (نک: فیاضی، ۱۵۱). ظاهراً در دهه بعد از تأسیس این مرکز بود که عنوان «حوزه علمیه» در جایگاه نام خاص آن، در کنار عناوین جامعه علمیه، مجمع علمی و علمیه، رواج یافت (مجله همایون، شماره ۲، ص ۱-۴؛ شماره ۳، ص ۷؛ شماره ۴، ص ۷-۸؛ ریحان یزدی، ۳۳، ۴۹ به بعد).^۲ اما «حوزه علمیه» تا حدود بیست سال پس از تأسیس آن، عنوان غالب این مرکز شد (نک: آئین/اسلام، همانجاها) و در منابع و مطالعات پس از آن تنها با همین عنوان یاد شده است (شریف رازی، ۱۲ به بعد؛ وکیلی، ۸ به بعد؛ خامنه‌ای، ۴ به بعد؛ دایره‌المعارف تشیع، همانجا؛ سید کباری، ۹ به بعد؛ دانشنامه جهان اسلام، همانجا).

عنوان «حوزه علمیه» با ترکیب مفهوم دو واژه «حوزه» که در فضای آن دوره معنای نوین انجمن، گروه، قلمرو و محدوده فعالیت سیاسی و یا علمی گرفته بود، و «علمیه» (= منسوب به علما و هم به مفهوم محل تحصیلات عالی)، عنوانی فراگیر و مناسب برای این نهاد علمی جدید بود. گسترش و تأسیس شعبات این نهاد نیز، با پایان یافتن تحصیلات نخستین محصلان و مدیریت حوزه مرکزی در شهرهای مختلف ایران از جمله

۱. «مدتی است شهر قم مرکز روحانیت شده است بواسطه وجود شیخ عبدالکریم عراقی سلطان‌آبادی. شیخ مزبور پس از تکمیل تحصیلات خود در عراق عرب به ایران باز آمده مدتی در سلطان‌آباد به تصدی امور شرعی می‌پرداخته است. در تغییرات اوضاع مملکتی بقم رفته آنجا حوزه ریاست روحانی مفصلی با خرج گزاف برپا نموده طلاب علوم دینی را دور خود جمع کرده طرف توجه دولت و ملت شده است» دولت‌آبادی، ۲۸۹/۴.

۲. عنوان مقاله "روحانیت در ایران: تأسیس جامعه علمیه قم، تاریخ زندگی حضرت آیت‌الله" است که در سه شماره متوالی مجله همایون به قلم «ع» منتشر شده است.

کاشان، همدان و اراک آغاز شد (مجله همایون، شماره ۲، ص ۴؛ ریحان یزدی، ۳۳).^۱ در این شهرها شعبه‌های حوزه، همچون حوزه علمیه قم، در مدارس سنتی دینی تأسیس شد. اگرچه تأسیس حوزه علمیه موجب منسوخ شدن عنوان مدرسه برای اطلاق به مراکز سنتی تعلیم علوم دینی شیعیان نگشت، اما مدارس شهرهای مختلف تحت مدیریتی واحد با عنوان عام حوزه علمیه، قرار گرفت. به نظر می‌رسد همین موضوع موجب پیوند این نهاد جدید با مراکز تعلیمی مذهبی شیعیان در قرون نخستین اسلامی، در میان مطالعات شده است. نتیجه این امر برابر دانستن تاریخ تأسیس این نهاد جدید، با مدارس سنتی این شهرها بود.

نتیجه

اصطلاح حوزه علمیه برآمده از فضای سیاسی-اجتماعی عصر مشروطیت است که مفهوم ضمنی آن تعلیم سطوح عالی علوم دینی توسط علمای مذهبی است. این اصطلاح به مفهوم پیش گفته، نخستین بار عنوان نهادی علمی در شهر قم گشت که به ریاست عبدالکریم حائری (د. ۱۳۱۵ش) در ۱۳۴۰ق/۱۳۰۱ش تأسیس شده بود. به بیانی دیگر، شهرت مراکز تعلیم علوم دینی شیعیان به حوزه علمیه، از زمان تأسیس حوزه علمیه قم فراتر نمی‌رود.

ویژگی اصلی این نهاد جدید، مدیریت تمام علما و طالبان علوم دینی زیر نظر یک مدیریت واحد بود که با پایان یافتن تحصیلات نخستین فارغ التحصیلان، تأسیس شعبات آن نیز، در شهرهای مختلف ایران آغاز گشت؛ چیزی که در مراکز علوم دینی پیش از این سابقه نداشت. افزون بر این، نهاد جدید با اشتها به حوزه علمیه به گونه‌ای، هویتی مستقل از مدارس نوین و دیگر موسسات علمی مدرن با عنوان، دارالفنون، دانشسرا، یونورسیتته (بعداً دانشگاه) می‌یافت که به علوم غیر دینی، به ویژه فنی و تجربی، اختصاص داشتند.

با این اوصاف، مفهوم و ساختار نوین نهاد حوزه علمیه که برآمده از تحولات عصر خود می‌باشد، قابل انطباق با نهادهای آموزشی شیعیان در گذشته نیست. اگر هم گفته

۱. گفتنی است، قانون برگزاری اجباری آزمون در تمام مراکز تحصیلی از سوی وزارت علوم و معاف در ۱۳۴۷ق/۱۳۰۸ش، به انسجام حوزه علمیه و پیوند آنها با حوزه قم افزود. امتحانات مدارس حوزه علمیه توسط وزارتخانه و با نظارت حائری در قم برگزار می‌شد (ریحان یزدی، ۴۶).

شود اصطلاح حوزه علمیه در تعریف ضمنی، قلمرو تدریس و تحصیل علوم مذهبی شیعیان (نه یک نهاد علمی) را در برمی گیرد و بنابر این، به رغم جدید بودن این عنوان، می توان تاریخ پیدایی حوزه های علمیه را به قرون نخستین اسلامی بازگرداند، در پاسخ باید گفت: بدین ترتیب دیگر نمی توان از حوزه به عنوان یک نهاد یاد کرد. همچنین، در این صورت تاریخ حوزه علمیه در معرفی عالمان شیعی هر دوره خلاصه خواهد شد، در حالی که نهاد تحصیلی چیزی فراتر از وجود معلم و استاد است. افزون آنکه، تاریخ آموزش نیز غالباً بر محوریت مکان تحصیل مورد بررسی قرار می گیرد نه استاد و متعلم. در نتیجه، اطلاق عنوان حوزه علمیه به اماکن و یا مراکز علمی پیش از تأسیس حوزه علمیه قم، درست نمی نماید. این مراکز را باید ذیل اماکن علمی همان ادوار، همچون مدرسه و مسجد مورد مطالعه قرار داد.

منابع

۱. آقا نجفی قوچانی، محمدحسن، *حیات الاسلام فی احوال الملک العلام، پیرامون شخصیت و نقش آخوند ملا محمد کاظم خراسانی در پیشبرد نهضت مشروطیت*؛ به کوشش رمضانعلی شاکری، تهران، نشر هفت ۱۳۷۸.
۲. ابن بطوطه، شمس الدین محمد بن عبد الله، *تحفة النظائر فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار*؛ رباط، اکادیمیه المملکه المغربیه، ۱۴۱۷ق.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد؛ *دیوان المبتدأ أو الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر*، به کوشش خلیل شحاده، بیروت، دارالفکر، ط ۲، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م.
۴. ابن مسکویه، ابوعلی رازی، *تجارب الأمم*، به کوشش ابوالقاسم امامی، تهران، سروش، ۱۳۷۹.
۵. ابن کثیر، أبو الفداء اسماعیل بن عمر الدمشقی، *البدایة و النهایة*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۶م.
۶. اسکندر بیگ ترکمان، *تاریخ عالم آرای عباسی*، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۲.
۷. *اسناد و مکاتبات تاریخی از تیمور تا شاه اسماعیل*، گردآورنده عبدالحسین نوایی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۶.
۸. بناکتی، ابوسلیمان داود بن محمد، *روضه اولی الالباب فی معرفة التواریخ و الانساب، تاریخ بناکتی*، به کوشش جعفر شعار، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸.

۹. پسندیده، محمود، "نگاهی گذرا به حوزه علمیه نجف"، مجله مشکوه، شماره ۶۸ و ۶۹، پائیز و زمستان ۱۳۷۹.
۱۰. جوادی، قاسم، حسنی، سید علی، "بررسی حوزه علمیه حله"، مجله شیعه شناسی، قم: شماره ۲۱، بهار ۱۳۸۷.
۱۱. حافظ ابرو، عبدالله ابن لطف‌الله، زبدة التواریخ، به کوشش سید کمال حاج سید جوادی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۲. حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۴.
۱۳. حمزة بن حسن الاصفهانی، تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء، بیروت، دارمکتبه الحیاة، بی تا.
۱۴. خامنه‌ای، سید علی، گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد، مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا(ع)، ۱۳۶۵.
۱۵. خنجی، فضل‌الله بن روزبهان، مهمان نامه بخارا، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
۱۶. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، تاریخ حبیب‌السیر، مقدمه جلال‌الدین همایی، تهران، خیام، چ ۴، ۱۳۸۰.
۱۷. دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، مدخل "حوزه"، تهران، بنیاد دانشنامه، ج ۱۴، ۱۳۸۹.
۱۸. دایره المعارف بزرگ اسلامی؛ زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، مدخل "اعتضادالسلطنه"، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ۱۳۷۹.
۱۹. دایره المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، مدخل "حوزه"، قم، ج ۶، ۱۳۷۶.
۲۰. دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، تهران، کتابفروشی ابن سینا، ۱۳۳۶.
۲۱. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، چ ۲ از دوره جدید؛ تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۲۲. رجیبی، محمدحسن، مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه دوره قاجار، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰.
۲۳. رشدیه، شمس‌الدین، سوانح عمر، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲.
۲۴. رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع‌التواریخ، تاریخ سامانیان و بویهیان و غزنویان، به کوشش محمد روشن، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۶.
۲۵. ریحان یزدی، سیدعلیرضا، آینه دانشوران، چاپ اول، ۱۳۵۴/ق ۱۳۱۴ش، چاپ دوم با مقدمه ناصر باقری بیدهندی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۳۷۲ش.

۲۶. سپهر، احمدعلی، *ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴*، تهران، چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۳۶ش.
۲۷. سمعانی، أبوسعید عبدالکریم بن محمد، *الأنساب*، به کوشش عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، حیدرآباد، دائرةالمعارف العثمانیة، ۱۳۸۲ق/۱۹۶۲.
۲۸. سید کباری، سید علیرضا، *حوزه های علمیه شیعه در گستره جهان*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۲۹. شاردن، ژان، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۲.
۳۰. شریف رازی، محمد، *آثار الحجة یا دائرة المعارف حوزه علمیه قم*، قم، کتابفروشی برقی ۱۳۳۲ش.
۳۱. عتبی، ابونصر محمد بن عبدالجبار، *الیمینی*، به کوشش احسان ذنون الشامری، بیروت، دارالطلیعة ۱۴۲۴ق/۲۰۰۴م.
۳۲. عین السلطنة، قهرمان میرزا سالور، *روزنامه خاطرات عین السلطنة*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر ۱۳۷۴.
۳۳. فیاضی، عمادالدین، *حاج شیخ عبدالکریم حائری (مؤسس حوزه علمیه قم)*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۳۴. الفاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد، *تاریخ اولجایتو*، به کوشش مهین همبلی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
۳۵. قزوینی رازی، عبدالجلیل، *النقض موسوم به بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض*، به کوشش میرجلال الدین محدث ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.
۳۶. کمره‌ای، سید محمد، *روزنامه خاطرات سید محمد کمره‌ای*، به کوشش محمدجواد مرادی نیا، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴.
۳۷. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، *تاج العروس من جواهر القاموس*، به کوشش، علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۳۸. ناجی، محمد رضا، *فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۶.
۳۹. ناصرالشریعه، محمدحسین، *تاریخ قم یا حریم مطهر حضرت معصومه*، به کوشش علی دوانی، تهران، رهنمون، ۱۳۸۳.
۴۰. ناظم الاسلام کرمانی، *تاریخ بیداری ایرانیان*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۴.
۴۱. واصفی، زین الدین محمود، *بدايع الوقایع*، به کوشش الکساندر بلدروف، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
۴۲. وکیلی قمی، ابومحمد، *حوزه علمیه قم*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.

43. Fraser, James B, *Narrative of a journey in to Khorasan, in the years 1821 and 1822*, London, Longman, 1825.

روزنامه و مجلات

۴۴. *روزنامه عیب نما*، چاپ تهران، ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ق/ ۱۳۸۶ش، شماره دوم، سال دوم.
۴۵. *روزنامه تربیت*، چاپ تهران، سال چهارم، شماره ۲۱۳، ۶ شعبان ۱۳۱۸ق.
۴۶. *روزنامه ثریا*، چاپ مصر، سال اول، شماره ۱۰، ۱۹ شعبان ۱۳۱۶ق.
۴۷. *روزنامه معارف*، چاپ تهران، اول شعبان ۱۳۱۶ق، شماره اول؛ شماره ۱۴، ۱۵ صفر ۱۳۱۷ق.
۴۸. *مجله همایون*، چاپ قم، "روحانیت در ایران: تأسیس جامعه علمی قم، تاریخ زندگی حضرت آیت‌الله"، آبان، آذر و دی ۱۳۱۳، شماره ۲، ۳ و ۴.
۴۹. *هفته نامه آئین اسلام*، چاپ تهران، اردیبهشت و خرداد ۱۳۲۶، شماره‌های متوالی ۱۵۶ تا ۱۶۲.

Archive of SID